

دیدار صمیمی معاون پارلمانی رییس جمهور با آموزگار دوران دبستان خود پس از 45 سال

در راستای تقدیر از فعالیت های دلسوزانه معلم صورت گرفت؛ حسینعلی امیری معاون پارلمانی رییس جمهوری روز سه شنبه در دیدار صمیمی با آموزگار دوران دبستان خود، سرکار خانم فریدی، گفت: در برابر بزرگی و بزرگواری این معلم عزیز بنده همان شاگرد کلاس دوم دبستان هستم.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، خبرگزاری ایرنا، گزارشی از دیدار این معلم و دانش آموز به شرح زیر منتشر کرده است:

سال ها در پی یافتن معلم دوم دبستانش بود. از فضیلت، مهربانی؛ صداقت، اخلاق حسنه و نجابت و عشق مادرانه اش می گفت و حس عجیبی از تاثیر کلام و رفتار معلمش همواره در درونش احساس می کرد؛ تا این که ۲۲ تیرماه ۱۴۰۰ دیدار با معلم الفبای زندگیش فراهم می شود، بسیار مصّر است که هدیه را شخصاً خودش تهیه نماید؛ دیدار حسینعلی امیری؛ معاون امور مجلس رییس جمهور با خانم فریدی معلم کلاس دوم ابتدایی در سنقر؛ لحظات دیدار دکتر امیری از معلمی که امروز دیگر توانایی آن روزها را ندارد با کمال تواضع و فروتنی و به مانند یک دانش آموز قدرشناس، زیبا و دلپسند و یادآور این کلام آسمانی مولایمان امیرالمومنین علی (ع) بود که «هرکس مرا کلمه ای بیاموزد مرا بنده ی خود نموده است»؛ خانم فریدی با عشق از خاطرات آن دوران می گفت و رفتار و سخنش هنوز بوی مهربانی معلمانه آن دوران را داشت که آقای امیری برایمان ترسیم کرده بود؛ زمانی که دکتر امیری دل نوشته اش را تقدیم خانم فریدی کرد و گفت، من در حضور شما امیری دانش آموز کلاس دوم دبستان هستم و سرکار، معلم بزرگی که سرشار از کرامت و مهربانی است. خانم فریدی هنگام بیان این سخنان می گریست و برای توفیق دانش آموزش، دعا میکرد و با تقدیم یک جلد کلام الله مجید؛ دوام توفیق را برای اواز خداوند خواستار می شد.

این دیدار در منزل خانم فریدی و با حضور همسرشان برگزار و در پایان تقدیرنامه ای به ایشان تقدیم شد.

شایان ذکر است؛ چهل و پنج سال پیش خانم وجیهه فریدی معلم سال دوم دبستان حسینعلی امیری بوده است.

امیری در این دیدار اظهار داشت: هرگاه صحبت از معلمی فداکار، دلسوز و مهربان و متخلق به اخلاق حسنه و علاقه مادرانه به دانش آموزان به میان می آمد خانم فریدی در ذهنم متبادر می شد. در سال ۱۳۵۴ در حالی که دانش آموز سال دوم ابتدائی بودم در زمستانی سرد و برفی در حالی که در یک دست کتاب هایم را داشتم و در دست دیگر کاردستی در دستم بود، به جهت لغزنده بودن زمین تعادل خود را از دست دادم و به گودال کوچکی از آب و یخ و برف افتادم. یکی از همسایه ها که دانش آموز راهنمایی بود، من را از گودال آب و یخ در حالی که لباسهایم خیس شده بود بیرون آورد و به مدرسه برد و تحویل خانم فریدی داد. ایشان درس را متوقف و همانند مادری مهربان به من آرامش داد و اعتماد به نفسم را برگرداند و سپس لباسهایم را یکی یکی در برابر بخاری نفتی کلاس خشک کرد و پوشاند و بعد از آن درس را ادامه داد. خاطره ای به یاد ماندنی برایم بود لذا سال های طولانی پیگیر بودم تا ایشان را بیابم و به پاس آن روزها از ایشان سپاسگزاری کنم که خوشبختانه با تلاش وزارت آموزش و پرورش اطلاع پیدا کردم که ایشان از سنقر به کرمانشاه و سپس به تهران مهاجرت کرده و در تهران بازنشسته و ساکن شده اند.

پس از پیدا کردن آدرس محل سکونت ایشان در منزل ایشان حضور یافته و پس از ۴۵ سال دیدارها تازه شد و خاطره ای ویژه از فداکاری آن روزها به میان آمد.

هرچند سنی از ایشان گذشته بود اما جوهره مهربانی کماکان محفوظ، صدا آرام بخش، رفتارها مهربانانه، عیناً همانند چهل و پنج سال پیش؛ در برابر بزرگی و بزرگواری این معلم عزیز بنده همان شاگرد کلاس دوم دبستان هستم.